

وضع مسلمانان

در

رودزیا

در سال هفتم و هشتم مجله « طی مقاله مشروح در باره تاریخ رودزیا و وضع مسلمانان آسامان بحث کردیم و اینک برای تکمیل آن بحث با استفاده از مقاله آدم . م . ماکدا Adam . M . Makda در روزنامه Radiance جاپ هند مورخ نوامبر ۱۹۷۰ م و مجله المجتمع جاپ کویت شماره ۳۹ گوشه‌های دیگری از وضع مسلمانان رودزیا را روشن می‌سازیم .

شاید ما بتوانیم مدارک و اسناد تاریخی معتبری بدست آوریم که نشان دهد اسلام چگونه و در چه تاریخی به رودزیا جنوری و رخت کرده است ، ولی آنچه مسلم است اینست که بازرگانان مسلمان عرب زبان ، نخستین کسانی بودند که باین ناحیه از قاره سیاه وارد شده و رفت و آمد کردند . اقامت ممتد و طولانی کاروانهای بازرگانی عرب در نواحی « زیمبابوی غربی » در بندر و یکسوروا - که در حدود دریا - بل از سال بوری فاسله دارد - موجب شد که حتی قبایل غیر مسلمان این ناحیه با اخلاقی و آداب اجتماعی مسلمانان خو گرفته و مطابق آنان رفتار کنند ؛ آنان گوشت خوک و مشروب نمی‌خوردند ، از نشئه نکلر ازدواج و روابط زناشویی مانند مسلمانان رفتار نمی‌کنند ؛ تعصب ناموسی و بزرگی ندارند و ...

در سال ۱۸۹۵ م که اشغالگران استعمارگر انگلیسی وارد این سرزمین شدند ، ورود هر شخص خارجی را ممنوع ساختند و قتل از واپایان اجح توانستند باین نقطه از قاره سیاه رفت و آمد نکنند .

مدتها گذشت و مسلمانان آسیائی بویژه بازرگانان هندی . اجازه یافتند که به رودزیا رفت و آمد بکنند و همین مرحله ، نقطه عطف جدیدی در تاریخ رودزیا بود زیرا بازرگانان مسلمان هندی . همراه خود مبادی و اصول اسلام را بازمغان آوردند و بشر آن پرداختند و سپس بساختن مساجد و مدارس اقدام کردند و تا آنجا که مقدورشان بود از کمکهای لازم ب مسلمانان رودزبائی دریغ نمودند .

نسلی که از ازدواج مسلمانان هندی با سیاه‌پوستان رودزبانی بوجود آمد، از نسله نژاد اجتماعی و فرهنگی بتحکیم میانی اسلامی پرداخت و توده مردم بت پرست را با اسلام آشنا ساخت. البته اکنون تعداد قسطنتی مسلمانان رودزبیا معلوم نیست. ولی از مجموع چهار میلیون نفر جمعیت این ناحیه، حداقل ده درصد مسلمان هستند. و شاید اکثریت مسلمانان رودزبیا از نژاد آسیائی باشند ولی قسمتی از آنان را هم کارگرانی تشکیل میدهند که از جمهوری مالای - نیاسالاند - آمده‌اند و از قبیله «یاووی مالای» می‌باشند. این مسلمانان که پدرانشان از یک قرن و نیم پیش با اسلام آشنائی داشته‌اند، همیشه با سلام و فاتحه بوده و در مساجد و مزارع رودزبیا کار می‌کنند ولی طبق قرارداد ظالمانه حکومت غیرقانونی رودزبیا، هر سه سال یکبار باید تغییر یابند و بجای آنها کارگران دیگری از مالای بیایند.

بعضی از شرکت‌های خارجی که محصولات را در رودزبیا را می‌برند برای «دلجویی» از کارگران مسلمان، مساجد کوچکی برای آنان در نزدیکی محل کارشان می‌سازند ولی طیبی است که کارگران مسلمان امکان نمی‌یابند که فرزندان خود را بطور صحیح و با روش اسلامی تربیت کنند.

کارگران مسلمانی که در معادن طلا کار میکنند از این «دلجویی» حاکم محرومند و سرمایه‌داران خارجی در فکر مسجد و مسکن آنان نیستند. ولی خود کارگران، مساجد کوچکی از خشت و گل در نزدیکی معادنی که کار می‌کنند می‌سازند و بطور مرتب به انجام فرائض مذهبی خود مشغول می‌شوند. البته نماز جمععه عامل اصلی اجتماع این کارگران مسلمان است و آنان بعلت این از مالای دعوت می‌یابند که در روزهای جمعه، یاد مراسم مذهبی دیگر برای آنان سخنرانی میکنند و مسائل دینی می‌گویند...

قابل توجه آنکه کشاورزان محلی و حتی صاحبان معادن، به علت دستکاری و راستگویی مسلمانان افریقائی، از کارگران مسلمان استفاده میکنند. ولی آنان از معارف اسلامی اطلاع و آگاهی ندارند و فقط با انجام فرائض مذهبی می‌پردازند و البته این نکته مایه مسرت است که آنان همچنان به عقیده و ایمان اسلامی خود وفادارند.

متأسفانه در سالهای اخیر گروهی از جوانان کم اطلاع مسلمان را در شهرها و مراکز صنعتی بزرگ بکار گماشته‌اند و آنان در نتیجه ارتباط و تماس با افراد گوناگون و اروپائیان، از انجام فرائض بازمی‌مانند و با بکارهایی دست می‌زنند که با اصول اسلامی سازگار نیست و البته برای رفع این مشکل، باید سازمانهای فرهنگی اسلامی در این مراکز صنعتی و پانهر-های بزرگ بوجود آید و جوانان کارگر را تحت تربیت و توجه خود قرار دهد.

(بقیه این مقاله را در شماره آینده مطالعه فرمائید)